

بلاغت

درس یجدهم

استاد: سرکار خانم فرخی

آموزشیار: آقای یزدانی

بخش اول

مقدمه :

در درس های گذشته با چپستی و اقسام اسناد خبری و اسناد انشایی آشنا شدیم؛ سیر منطقی بحث می طلبد که پس از آن، از احوال مسندالیه و مسند که ارکان اسناد می باشند سخن به میان بیاوریم. بر این اساس این باب و باب پسین آن به ترتیب به بحث از احوال مسندالیه و مسند اختصاص داده شده است. عمده احوال بلاغی مسندالیه در این باب در ضمن پنج فصل بررسی خواهد شد و یک بحث دیگر آن یعنی «تاخیر مسندالیه» به تناسب با «تقدیم مسند» در باب احوال مسند خواهد آمد و بحث دیگری از آن با عنوان «اطلاق و تقیید» در باب جداگانه ای بیان خواهد شد. درس حاضر پس از طرح یک مقدمه به بحث «ذکر مسندالیه» که اولین فصل این باب بوده می پردازد و با شرح اصول ذکر و حذف، سعی دارد دانش پژوهان عزیز را در این بستر ضابطه مند کند تا از اشتباه و کج سلیقی در امان باشند. در پایان اغراضی برای ذکر مسندالیه با توجه به وجود قرینه و جواز حذف آن بیان خواهد شد.

باب سوم : احوال مسندالیه

فصل اول : ذکر مسندالیه

فصل دوم : حذف مسندالیه

فصل سوم : تعریف مسندالیه

فصل چهارم : تنکیر مسندالیه

فصل پنجم : تقدیم مسندالیه

أ) تعریف مسندالیه و اقسام آن

آنچه که از آن خبر داده شده و بر آن حکم می شود را «مسند الیه» گویند؛ از این رو به آن «مخبر عنه» و «محکوم علیه» نیز گفته می شود همان گونه که به اعتبار اسناد به آن «مسندالیه» نامیده شده است.

اقسام مسندالیه عبارت است از :

۱. مبتدای اسمی (مبتدای که دارای خبر است) مانند لفظ جلاله در آیه شریفه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ

الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^۱

۲. فاعل مانند لفظ «ما» در آیه شریفه «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ

الْحَكِيمِ»

۳. نایب فاعل مانند «الذین» در آیه شریفه «وَأَدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ»^۲

۴. اسم نواسخ^۳ مانند لفظ جلاله در آیه مبارکه «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً»^۴

ب) احوال مسندالیه

همان گونه که در ابتدای درس اشاره شد احوال مسند الیه در پنج فصل بحث می شود که برای فهم چرایی آن لازم است به مطلب زیر توجه شود.

مسندالیه از جهت اصل ذکر در کلام یا مذکور است یا محذوف (و مقدّر) که بحث از ذکر آن در فصل اول و بحث از حذف آن در فصل دوم خواهد آمد.

و از جهت چگونگی ذکر در کلام از زاویه های گوناگونی می توان به آن نگاه کرد.

۱. نگاهی درونی و بدون در نظر گرفتن کلمات دیگر که از این نگاه یا معرفه است یا نکره^۵ و بحث های هر کدام به ترتیب در فصل های سوم و چهارم خواهد آمد.

۱. بقره/ ۲۵۷

۲. ابراهیم/ ۲۳

۳. نواسخ ادواتی می باشند که بر سر مبتدا و خبر داخل شده و از لحاظ لفظی و معنوی تغییراتی در آن دو ایجاد می کنند.

۴. زمر/ ۵۳

۵. تقسیمات دیگر مانند «افراد، تشبیه و جمع» در اینجا بحث نمی شوند زیرا غرض بلاغی بر آنها مترتب نیست.

۲. نگاه با توجه به جایگاه مکانی آن در کلام که از این نگاه یا مقدم است یا موخر؛ بحث از تقدیم مسندالیه در فصل پنجم همین باب و بحث از تاخیر مسندالیه در باب احوال مسند، بحث تقدیم مسند خواهد آمد.

۳. نگاه با توجه به متعلقات و قیود آن که از این دیدگاه یا مطلق است یا مقید و بحث از آن در باب اطلاق و تقیید خواهد آمد.

با این بیان روشن شد که در بلاغت ، هشت حالت از مسندالیه بررسی خواهد شد که مباحث آن در این باب در ضمن پنج فصل طرح خواهد شد.

فصل اول : ذکر مسندالیه

اهداف فصل

انتظار می رود دانش پژوه پس از فراگیری این درس به پرسش های زیر پاسخ بدهد.

- مسندالیه از نگاه ذکر و حذف بر چند قسم است؟
- اغراض و مقام های که اقتضای ذکر مسندالیه دارد را نام برده و توضیح دهید.
- یافتن غرض های ذکر مسندالیه و شناخت مقام های آن بر چه قاعده ای استوار است؟

پس از توجه به معنای آیات زیر سعی کنی به پرسش های که پس از آن طرح شده است پاسخ درست و کامل بدهی.

۱. «اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ».^۱
۲. «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».^۲
۳. «وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى قَالَ هِيَ عَصَاي».^۳
۴. «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ».^۴
۵. «أَ يَعِدُكُمْ أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَ كُنْتُمْ تُرَاباً وَ عِظَاماً أَنْتُمْ مُخْرَجُونَ».^۵

– مسندالیه را در آیات بالا مشخص کنید.

– آیا حذف برخی از کلمات بدون خلل در صحت کلام ممکن است؟ کدام کلمات؟ چرا؟

– فایده ذکر مسندالیه های که حذف آنها بدون خلل در صحت کلام ممکن بوده چیست؟

– در صورت وجود چند فایده در ذکر مسندالیه کدام فایده ظاهرتر بوده و تناسب بیشتری با کلام و مقام دارد؟

درس حاضر دانش پژوهان عزیز را بر پاسخ درست به این پرسش ها توانا خواهد کرد.

۱. انبیاء / ۱

۲. بقره / ۵

۳. طه / ۱۷ و ۱۸

۴. قدر / ۲ و ۳

۵. مؤمنون / ۳۵

اصول ذکر و حذف در کلام

۱. اصل این است که هر جزئی از کلام که دلالت بر یک معنای مقصودی می کند تا زمانی که قرینه ای بر آن نیست ذکر شود خواه رکن باشد یا غیر رکن.
- زیرا جزء مقصود اگر رکن باشد حذفش به صحت کلام خلل وارد می کند و اگر رکن نباشد حذف آن به غرض مقصود از کلام خلل وارد می کند زیرا فرض این است که آن جزء بر معنای مقصودی دلالت می کند مانند حذف واژه «لَاعِبِينَ» از آیه شریفه «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ» که حذف آن در صحت کلام خللی وارد نمی کند ولی خلاف معنای مقصود است.
۲. اصل این است که هر جزئی از کلام که به سبب قراین معلوم و واضح است حذف شود زیرا معنی بدون ذکر آن نیز فهمیده می شود؛ از این رو اگر متکلم آن را ذکر کند مورد سوال واقع می شود که چرا آن را ذکر کرده است مگر اینکه آن معلوم مانند جزء برای مذکور باشد مثل فاعل یا نائب فاعل و یا اسم «کان» و نظایر آن که ضمیر به جای آنها آورده می شود ولی هیچ گاه حذف نمی شوند.
۳. رعایت اصل اول واجب است و عدول از آن جایز نیست مگر اینکه اراده شده باشد که کلام مبهم و معماگونه باشد ولی انسان بلیغ گاهی به سبب اغراض بلاغی از اصل دوم عدول می کند زیرا این اغراض ذکر را نسبت حذف، رجحان می بخشند.
۴. اصل اول و دوم در مسندالیه جاری می شود در نتیجه اگر قرینه ای بر آن دلالت نکند از ذکرش در کلام سوال نمی شود زیرا رکن کلام و رکن غرض متکلم می باشد ولی گاهی اصل دوم رعایت نشده و مسندالیه با اینکه قرینه بر آن دلالت دارد ذکر می شود تا اغراض بلاغی خاصی که دارندگان ذوق های سالم می فهمند را در پی داشته باشد.

اغراض ذکر مسندالیه

۱. رعایت اصل : مانع ذکر «حِسَابُهُمْ» در آیه شریفه «اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ»^۱ که ذکر آن مطابق اصل بوده و دلیلی برای عدول از آن وجود ندارد. این غرض را برخی ذکر کرده اند ولی بلاغتی در آن نیست از این رو از بحث ما خارج است.
۲. توضیح بیشتر و تاکید : مانند تکرار «أُولَئِكَ» در آیه مبارکه «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲ که تذکر و تاکید بر اختصاص هدایت و رستگاری به آنان می باشد.^۳

^۱ . انبیاء / ۱ (آیه اول از مجموعه آیات ذکر شده)

^۲ . بقره / ۵ (آیه دوم از مجموعه آیات ذکر شده)

^۳ . تفسیر جوامع الجامع، مرحوم طبرسی، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ج ۱، ص: ۱۵ و ر. ک المطول، بحث «احوال المسندالیه»

۳. طول دادن کلام : مانند آمدن واژه «هی» در گفتگوی حضرت موسی علیه السلام با خداوند سبحان در آیه شریفه «وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى قَالَ هِيَ عَصَاي»^۱؛ از آنجا که گوش دادن خداوند صاحب عظمت و شکوه لذت بخش بوده حضرت کلام خود را طولانی کرده با اینکه ایشان به قرینه سوال می توانست مسندالیه (هی) را حذف کند. به عبارت دیگر مقتضای ظاهر، به دلیل وجود قرینه ی روشن بر مسندالیه حذف آن بود ولی حضرت به خاطر رعایت مقتضای حال از این مقتضای ظاهر عدول کرده و مسند الیه را ذکر کرده است.

طولانی کردن سخن با کسانی که انسان آنان را دوست می دارد از همین باب می باشد؛ از این رو مشاهده می کنیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علی هم السلام در دعا و ستایش خداوند سبحان، سخن را وسعت می بخشیدند.

۱. طه/ ۱۷ و ۱۸ (دسته سوم از مجموعه آیات ذکر شده)

۱. بزرگ شمردن به ه راه تاکید : مانند تکرار «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» در آیه شریفه «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»^۱ که حذف آن به قرینه سؤالی که پیش از آن شده است جایز بوده ولی برای دلالت بر بزرگی و بیان شرف آن ذکر شده است زیرا از طرفی مقام اقتضای بزرگ شمردن دارد و از طرفی لفظ مسندالیه (لَيْلَةُ الْقَدْرِ) بر بزرگی آن شب دلالت دارد تناسب این دو سبب ذکر دوباره این لفظ شده است.^۲
۲. تاکید به سبب طولانی شدن سخن^۳ : مانند تکرار «أَنْتُمْ» در آیه مبارکه «أَيَعِدُكُمْ أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَ كُنْتُمْ تُرَاباً وَعِظَاماً أَنْتُمْ مُخْرَجُونَ»^۴. شیخ طوسی (ره) سبب این تکرار را طولانی شدن کلام می داند^۵ و شیخ طبرسی (ره) می فرماید چون کلام طولانی شده «أَنْتُمْ» برای تاکید تکرار شده است.^{۶ و ۷}
۳. تاکید و نص بر مقصود : مانند واژه ذکر واژه «أَنْتَ» در آیه شریفه «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِماً وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ»^۸. در این آیه قرینه بر حذف «أَنْتَ» وجود دارد و جایز بود که حذف شود (همان گونه که پیش از آن حذف شد و گفته نشد «أَنْتَ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ») ولی برای تاکید و نص بر اینکه ولایت، محصور در خداوند سبحان است در مقابل کسانی که غیر خداوند را سرپرست خود گرفته اند ذکر شده است.

تمرین

انگیزه ذکر مسندالیه در آیات کریمه زیر چیست؟

- أ) «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»^۹.
- ب) «قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»^{۱۰}.

^۱ . قدر / ۲ و ۳ (دسته چهارم از مجموعه آیات ذکر شده)

^۲ . توجه شود که در این آیه، تقریر سبب اصل ذکر مسندالیه و تعظیم سبب کیفیت ذکر آن به گونه اسم ظاهر شده است.

^۳ . مقصود از طولانی شدن سخن در اینجا زیاد شدن فاصله مسندالیه با مسند می باشد.

^۴ . مؤنون / ۳۵ (آیه آخر از مجوعه آیات ذکر شده)

^۵ . التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، دار إحياء التراث العربی، ج ۷، ص : ۳۶۶

^۶ . مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مرحوم طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، ج ۵، ص : ۲۲۶

^۷ . ابوالقاء نیز مثل همین مطلب را در یکی از وجوه اعرابی این آیه ذکر کرده است. ر. ک املاء ما من به الرحمن، دار الکتب العلمیه، ج ۲، ص : ۱۴۹

^۸ . یوسف / ۱۰۱

^۹ . نحل / ۱۱۰

^{۱۰} . طه / ۴۵ و ۵۰

چکیده

۱. «مسندالیه» عبارت است از اسمی که چیزی به آن اسناد داده شده است و نام های دیگر آن عبارت است از : «مخبر عنه» و «محکوم علیه».
۲. اقسام مسندالیه عبارتند از : «مبتدای اسمی، فاعل، نایب فاعل و اسم نواسخ».
۳. در علم بلاغت از هشت حالت مسندالیه بحث می شود . (ذکر مسندالیه و حذف آن، تعریف و تنکیر آن، تقدیم و تاخیر آن و در پایان اطلاق و تقیید آن)
۴. این باب (باب احوال مسندالیه) شامل پنج فصل می باشد. (ذکر مسندالیه، حذف مسندالیه، تعریف مسندالیه، تنکیر مسندالیه و تقدیم مسندالیه)
۵. اصل این است که هر جزئی از کلام که دلالت بر یک معنای مقصودی می کند تا زمانی که قرینه ای بر آن نیست ذکر شود خواه رکن باشد یا غیر رکن ؛ رعایت این اصل واجب بوده و عدول از آن جایز نیست مگر اینکه قصد ابهام و معماگویی داشته باشیم.
۶. اصل این است که هر جزئی از کلام که به سبب قراین معلوم و واضح است حذف شود ؛ گاهی به سبب اغراض بلاغی از این اصل عدول می شود زیرا این اغراض ذکر را نسبت حذف، رجحان می بخشند.
۷. اغراض ذکر مسندالیه عبارتند از : «رعایت اصل^۱، توضیح و تاکید، طول دادن کلام، بزرگ شمردن و تاکید، تاکید به به سبب طولانی شدن کلام و در پایان تاکید و نص بر مقصود».

^۱ . البته این غرض به نظر مؤلف محترم، غرض بلاغی نیست.